

The Role of Familial Competence in the Selection of the Agents of Imam Ali (PBUH)'s Government

Mohammadreza Aram^{*}

Abstract

There has always been an interplay between the institution of family and political system. This study is aimed at examining and analyzing how familial competence was factored in during the process of selecting and appointing agents in Imam Ali (PBUH)'s government. The main research question is: what was the contribution of familial competence to the selection of agents in Imam Ali' (PBUH)'s government? To answer this question, we have tried to study Koranic verses, hadiths and Imam Ali (PBUH)'s conduct with an inductive approach, and assess the results with the qualitative method of *ijtihad*. The research findings show that in Imam Ali (PBUH)'s government upbringing was considered an important factor along with individual qualifications. Furthermore, this study puts forward a criticism of individualism in contemporary politics and emphasizes the necessity of using the positive potential of familial competence in appointments. Thus, for the sake of meritocracy and correct regulation of political relations we certainly need to consider individuals' upbringing along with other criteria of political competence and use the above-mentioned positive potential.

Keywords: upbringing, political competence, familial competence, meritocracy, Imam Ali's government.

^{*} Assistant Professor, Department of Political Sciences, Faculty of Law and Political Sciences, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran, mraram@um.ac.ir.

Date received: 21/11/2024, Date of acceptance: 25/11/2024



نقش صلاحیت‌های خانوادگی در انتخاب کارگزاران حکومت علوی

محمدرضا آرام*

چکیده

نهاد خانواده و نظام سیاسی، همواره تأثیر و تأثراتی بر یکدیگر داشته‌اند. هدف از این پژوهش، بررسی و تحلیل چگونگی تأثیر صلاحیت‌های خانوادگی بر فرایند انتخاب و انتصاب کارگزاران در حکومت علوی است. مسأله اصلی این پژوهش عبارت است از اینکه: «صلاحیت‌های خانوادگی، چه سهمی در انتخاب کارگزاران، در حکومت علوی داشته است؟» برای پاسخ به این سؤال تلاش شده است تا با رویکرد استقرایی به مطالعه آیات، روایات و سیره علوی بپردازیم و داده‌های حاصله را با روش کیفی اجتهادی مورد ارزیابی قرار دهیم. یافته‌ها نشان می‌دهد که در حکومت علوی، تربیت خانوادگی به عنوان یکی از عوامل مهم در کنار سایر صلاحیت‌های فردی مورد توجه قرار گرفته است. همچنین این پژوهش نقدی بر فردگرایی در سیاست‌های معاصر ارائه می‌دهد و بر لزوم استفاده از ظرفیت مثبت صلاحیت‌های خانوادگی در انتصابات تأکید می‌کند. بنابراین برای شایسته‌سالاری و تنظیم درست مناسبات سیاسی، حتماً باید تربیت خانوادگی افراد را در کنار سایر صلاحیت‌های سیاسی لحاظ کنیم و از ظرفیت مثبت مناسبات خویشاوندی در انتصابات استفاده نماییم.

کلیدواژه‌ها: تربیت خانوادگی، صلاحیت‌های سیاسی، صلاحیت‌های خانوادگی، شایسته‌سالاری، حکومت علوی.

۱. مقدمه

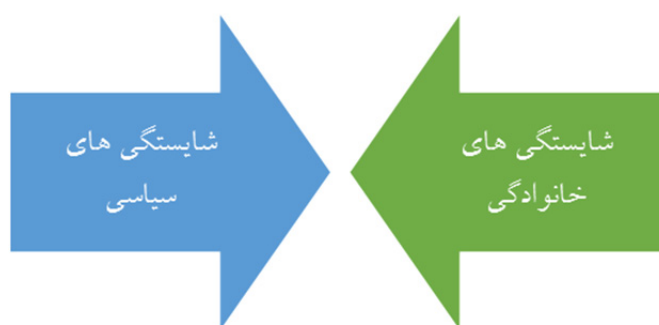
نهاد خانواده و خویشاوندان به عنوان اولین و مهمترین نهاد اجتماعی، زیربنای بسیاری از دیگر نهادهای اجتماعی و سیاسی است و در طول تاریخ نقش‌آفرینی‌های فراوانی در امور سیاسی و

* استادیار علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، mraram@um.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۰۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۳۱



اجتماعی داشته است (مونز و مارتین: ۲۰۲۳). امروزه یکی از مهمترین نظریات در باب انتخاب کارگزاران، «شایسته‌سالاری» است. چرایی انجام این پژوهش با این سؤال مطرح می‌شود که «با توجه به اصالت نهاد خانواده در اسلام و اهمیت تربیت خانوادگی، آیا این نهاد یا همان صلاحیت‌های خانوادگی می‌توانند در إحراز ملاک‌های شایسته‌سالاری نقش‌آفرینی نمایند؟» پس از مشخص شدن رابطه این دو عامل در نسب اربعه ارسطویی، در صورت عدم وجود رابطه «تباین» میان آن دو، آنگاه حدود و ثغور این نقش‌آفرینی باید توصیف و تبیین شود.



شکل ۱. آیا تربیت خانوادگی با صلاحیت‌های سیاسی ارتباط پیدا می‌کند؟

در پاسخ به این مسأله که «تربیت خانوادگی چه اثری در صلاحیت‌های سیاسی می‌تواند داشته باشد؟» سه دیدگاه قابل طرح است؛ دیدگاه اول نظام سیاسی را قبیله‌ای ترسیم کرده و «عصبیت» را محور فراز و فرود دولت‌ها معرفی می‌کند. در این دیدگاه اساساً تربیت و صلاحیت‌های سیاسی، همان تربیت و صلاحیت‌های خانوادگی قلمداد می‌شود. نماینده بارز این دیدگاه ابن خلدون است (ر.ک: ابن خلدون، ۱۴۲۵ق).

دیدگاه دوم نظام قبیله‌ای را به نحو کامل مٹلغی معرفی کرده، و اساس صلاحیت‌های سیاسی را بر شایستگی‌های فردی بنا کرده و مداخله مناسبات خویشاوندی در امور سیاسی را به کلی مردود اعلام می‌کند. شایان ذکر است که عمده نظریات جدید در علوم سیاسی بر این پایه استوارند و شایسته‌سالاری را به نحو افراطی محدود به شایستگی‌های صرفاً فردی می‌نمایند (لیو، ۲۰۲۳). در طول تاریخ فلسفه، برخی فیلسوفان نظیر افلاطون با حذف صورت‌مسأله، قائل به نظام اشتراک جنسی و خانوادگی در طبقه مسئولان و سپاهیان بوده‌اند، تا این طبقه به نزاع بر سر زنان یا سرگرمی به تربیت فرزندان یا انباشت دارایی و ثروت مبتلا نشوند و به جای عشق و

نقش صلاحیت‌های خانوادگی در انتخاب کارگزاران حکومت علوی (محمدرضا آرام) ۸۹

علاقه به خانواده، تمام عشق و دلبستگی‌شان به معطوف به طبقه نظامی خواهد شد (کلوسکو، ج ۱: ۱۷۶ و ۱۷۷)!

دیدگاه سوم ضمن تفکیک عصیت و مناسبات خویشاوندی به ممدوح و مذموم، قائل به مداخله جنبه‌هایی مثبت و ممدوح از اثرگذاری تربیت خانوادگی در تربیت و صلاحیت‌های سیاسی است. ما در این پژوهش درصدد تأیید دیدگاه سوم با مطالعه دوران حکومت علوی هستیم.

بر اساس مسأله فوق، سؤال اصلی این پژوهش عبارت است از اینکه: «جایگاه تربیت خانوادگی، در تعیین صلاحیت‌های سیاسی در دوران حکومت امیرالمؤمنین(ع) چگونه است؟» و سؤالات فرعی این پژوهش عبارت است از اینکه: ۱. نقش صلاحیت‌های خانوادگی در انتخاب کارگزاران در گفتار امیرالمؤمنین(ع) چگونه ترسیم شده است؟ و ۲. نقش صلاحیت‌های خانوادگی در انتخاب کارگزاران در کردار امیرالمؤمنین(ع) چگونه بوده است؟ ۳. مداخله صلاحیت‌های خانوادگی در صلاحیت‌های سیاسی در دوران حکومتی امیرالمؤمنین(ع) چه آموزه‌هایی برای امروز می‌تواند داشته باشد؟

پژوهش درباره این موضوع، اولاً الگوی مناسبی برای مجموعه‌های سیاسی در تحقق شایسته‌سالاری و انتصاب شایسته مسئولان به دست دهد و ثانیاً شاخص و مناط خوبی برای ارزیابی میزان عدالت در انتصابات ارائه دهد، به نحوی که نه از ظرفیت بیوتات صالحه و تربیت خانوادگی افراد غفلت شود، و نه تربیت خانوادگی به عنوان تنها ملاک شایستگی مسئولان معرفی گردد.

۲. روش پژوهش

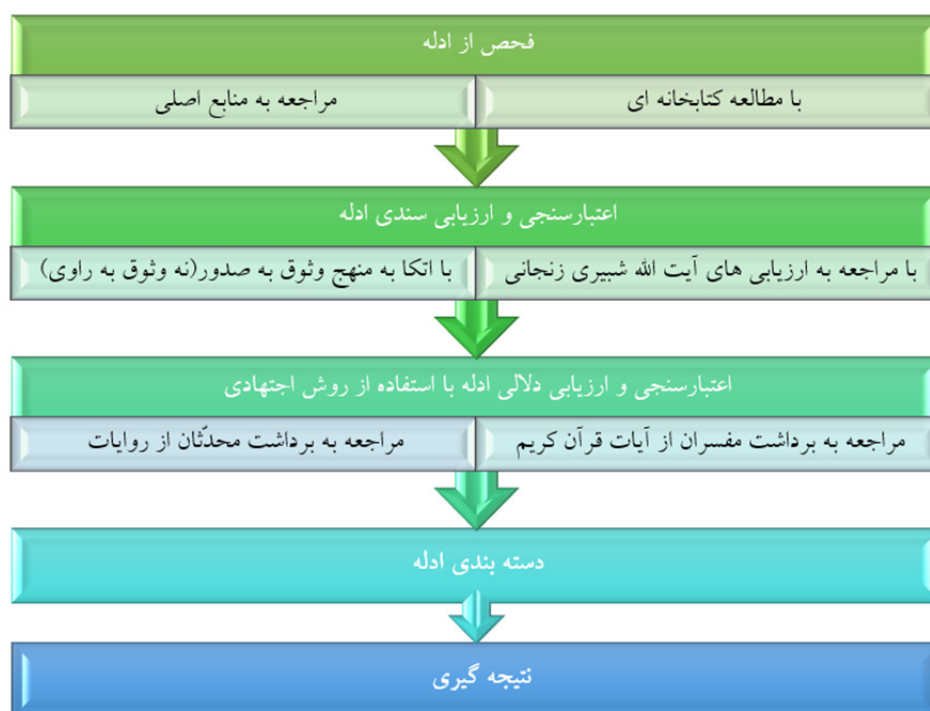
در این پژوهش برای پاسخگویی به سؤالات پژوهش و گردآوری اطلاعات اولیه از مطالعات کتابخانه‌ای استفاده شده است. لذا در ابتدا با مطالعه و مرور آیات قرآن کریم، احادیث و سیره حکومتی امیرالمؤمنین(ع)، به فحص از ادله مرتبط در منابع اصلی پرداخته شد.

پس از فحص از ادله و گردآوری فیش‌های مرتبط با موضوع، جهت حصول به روایی پژوهش، ادله به دست آمده از نظر سندی و دلالی، با استفاده از نظرات نخبگان این عرصه، مورد ارزیابی قرار گرفتند. در ابتدا این ادله از نظر سندی مورد اعتبارسنجی قرار گرفت.

سپس، ادله به دست آمده با روش اجتهادی مورد ارزیابی قرار گرفتند. روش اجتهادی که فعالیتی تفهیمی و اکتشافی است، یکی از انواع پژوهش‌های کیفی به شمار می‌آید که در مقام

کشف واقع بر می‌آید. روش اجتهادی، روشی مسأله‌محور نه موضوع‌محور- است که از مواجهه محقق با مشکل علمی و نظری آغاز می‌شود. این روش بر خلاف دیگر پژوهش‌های کیفی- به موضوع مورد فحص و بحث، دقیق و «جزئی» نگاه می‌کند، اما از جهت ارتباط موضوع پژوهش با موارد مؤثر و مداخله‌گر، روشی «ذو ابعاد» است (خنیفر و مسلمی، ۱۴۰۲: ۲۲۷-۲۴۰). مراحل انجام این روش به این شرح است: ۱. ابتدا کلیه نصوص وارد شده پیرامون مسأله مورد تحقیق، إحصا و سپس مورد ارزیابی دلالتی و سندی قرار می‌گیرند؛ ۲. سپس با دسته‌بندی نصوص به دست آمده، با استفاده از صُور منطقی و قیاسی به استدلال می‌پردازیم و نهایتاً به کشف مشروط واقع، دست می‌یابیم (خنیفر و مسلمی، ۱۴۰۲: ۲۴۱).

در گام بعد ادله حاصله بر اساس موضوع و سوالات پژوهش مورد «دسته‌بندی» قرار گرفت. در ابتدا دسته‌ای از آیات و روایات که مربوط به گفتار امیرالمؤمنین(ع) می‌شد از کردار و سیره عملی آن حضرت تفکیک شد و دسته‌بندی شد. در نهایت با تطبیق کردار بر گفتار حضرت علی(ع)، نتیجه‌گیری لازم انجام گرفت.



شکل ۲. روش انجام پژوهش و مراحل آن

بنابراین پژوهش حاضر در زمره پژوهش‌های توسعه‌ای و از لحاظ روش کیفی و از لحاظ نوع داده‌ها مبتنی بر بهره‌برداری از متون احادیث و روایات و قرآن استفاده خواهد شد. همچنین به‌طور کلی انواع پژوهش‌ها را بر اساس نتیجه، هدف و نوع داده‌ها می‌توان در یک الگوی سه‌شاخه‌ای در کنار هم نشان داد. با توجه به اینکه موضوع این پژوهش اثربخشی صلاحیت‌ها و تربیت خانوادگی در صلاحیت‌های سیاسی است، لذا این پژوهش بر اساس نتیجه، توسعه‌ای، از نظر هدف کاربردی و از نظر نوع داده نیز از شیوه آمیخته یا ترکیبی بهره می‌برد.

۳. پیشینه و نوآوری پژوهش

مسئله ارتباط تربیت خانوادگی با سیاست و شایستگی‌های سیاسی در منابع اسلامی و تاریخی سابقه طولانی دارد. ابن سینا (۱۹۸۵م) و فارابی (۱۳۶۴) به رابطه میان تدبیر منزل و تدبیر مُدُن اشاره کرده‌اند و بر تأثیر خانواده در سیاست تأکید داشته‌اند. الشهرزوری (۱۳۸۳) نیز در آثار خود به اهمیت ارتباط میان تربیت افراد در خانواده و تربیت سیاسی آنان اشاره می‌کند.

با ظهور مدرنیته و ترویج اندیشه فردگرایی، تمرکز بر شایستگی‌های فردی در سیاست افزایش یافته است. به‌طور مثال، سلیمانی و منتظرالقائم (۱۴۰۰) در پژوهش خود بر شایستگی‌های فردی و اخلاقی به عنوان ملاک‌های اصلی انتخاب کارگزاران در حکومت اسلامی تأکید کرده‌اند، اما تأثیر تربیت خانوادگی را به کلی نادیده گرفته‌اند. پژوهش‌های دیگری مانند پورسعید و عاشوری (۱۳۹۳) به‌طور مختصر به این موضوع پرداخته‌اند، اما به حدود و ثغور تأثیر صلاحیت‌های خانوادگی در انتخاب کارگزاران توجه کافی نداشته‌اند.

مسئله ارتباط صلاحیت‌های خانوادگی با صلاحیت‌های سیاسی و نظامی را هرچند نمی‌تواند در ادبیات غربی‌ها به دلیل غلبه گفتمان فردگرایی - یافت کرد، اما موضوعات مرتبطی در این خصوص وجود دارد که یکی از مهمترین این موضوعات مسئله «سیاست خانواده‌های نظامی» است. به عنوان مثال مولکر و همکاران (۲۰۱۹)، کتابی با عنوان «سیاست خانواده‌های نظامی؛ دولت، سازمان‌های کاری، و ظهور خانواده مذاکره» به چاپ رسانده‌اند. این کتاب استدلال می‌کند که اعضای خانواده‌های نظامی با تغییر موازنه‌های قدرت سر و کار دارند و اینها تحت تأثیر خواسته‌های سازمان‌ها و دولت قرار دارند. همچنین این کتاب به بررسی سیاست خانواده‌های نظامی در رابطه با تنش بین دولت، سازمان نظامی و زندگی خصوصی می‌پردازد. نویسندگان در این کتاب ضمن بررسی تجربیات کشورهای مختلف نتیجه‌گیری‌های قابل توجهی در این خصوص دارند. به عنوان مثال در فصلی با عنوان «همسر شاد، سرباز شاد»،

بررسی می‌کنند که چگونه رابطه بین همسران نظامی و نهاد نظامی بر رفاه همسر تأثیر می‌گذارد (مولکر و همکاران: ۲۰۱۹).

بنابراین نوآوری‌های این پژوهش و تفاوت آن با پژوهش‌هایی که به نحو غیر مستقیم با این پژوهش در ارتباط هستند، عبارت است از:

۱. این پژوهش درصدد توصیف و تبیین مداخله درست و ایجابی تربیت خانوادگی در انتخاب کارگزاران حکومتی است.

۲. یکی از منابع لازم برای استنباط حکم فقهی، «فعل معصوم» در کنار «قول» اوست. از این رو در این پژوهش در کنار قول معصوم، به فعل او استناد و احتجاج شده است. ضمناً به منابع عامه صرفاً به عنوان مؤید گزارشات معتبر استناد داده می‌شود چرا که نویسندگان منهج «وثوق به صدور» را به جای «وثوق به راوی» در این پژوهش اتخاذ کرده‌اند.

۳. این پژوهش در گزارش‌های تاریخی متوقف نمی‌ماند، بلکه هدف اصلی آن، تحلیل وقایع تاریخی و استخراج اندیشه سیاسی اسلامی در خصوص کارگزاران سیاسی و ارائه راهکارهایی برای حل مسائل جاری انقلاب اسلامی است.

۴. یافته‌ها

برای تحقق این نوآوری‌ها و پاسخ به سؤالات اصلی و فرعی این پژوهش، در ابتدا گفتارهای امیرالمؤمنین(ع) درباره مسأله پژوهش و مؤیدات روایی این گفتارها را مورد مذاقه و بررسی قرار می‌دهیم، سپس کردار امیرالمؤمنین(ع) را با گفتار ایشان تطبیق داده و سپس با تطبیق این دو، به نتیجه‌گیری می‌پردازیم.

۱.۴ نقش صلاحیت‌های خانوادگی در انتخاب کارگزاران در گفتار امیرالمؤمنین(ع)

یکی از مبانی مهم امیرالمؤمنین(ع) در انتصاب کارگزاران، توجه به خانواده و تربیت خانوادگی افراد است. آن حضرت با تشبیه این مسأله به درخت و آبی که پای درخت می‌ریزند، به نقش تربیت خانوادگی در شکل‌گیری شخصیت و صلاحیت افراد اشاره می‌کنند. آن حضرت می‌فرمایند: «آگاه باش که تمام گیاهان نیاز به آبیاری دارند، و آب‌ها انواع و اقسامی دارند: آنچه آبیاریش پاکیزه باشد نهالش پاکیزه و میوه‌اش شیرین است، و آنچه آبیاریش آلوده باشد نهالش آلوده و میوه‌اش تلخ است» (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق: ۲۱۶). این روایت اشاره به یک نکته ظریف عقلی دارد که انسان‌ها معمولاً انتظار دارند که قاعدتاً خانواده‌های خوب افراد خوبی به

نقش صلاحیت‌های خانوادگی در انتخاب کارگزاران حکومت علوی (محمدرضا آرام) ۹۳

جامعه تحویل دهند و خانواده‌های بد، افراد بدی را به جامعه تحویل دهند و اگر جز این باشد استثنائی رخ داده است. همچون خانواده حضرت نوح که پسر نوح در این خانواده یک استثناء بود (هود: ۴۶). یک ضرب المثل در زبان عربی و فارسی وجود دارد که گویای این حقیقت عقلی است: «کل إناء ينضح بما فيه» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱۵: ۱۳۹). از کوزه همان برون تراود که در اوست.

در میان بیوتات مختلف، این بیوتات صالحه هستند که بهترین بستر و ظرفیت را برای شکل‌گیری و تکثیر افرادی صالح و نهادینه شدن صلاحیت در آنها فراهم می‌آورند. توجه به بیوتات صالحه برای انتخاب کارگزاران، به معنای توجه به اثر وراثت در انتقال صفات پسندیده و ناپسند و ریشه‌دار بودن یک صفت در فرد از دوران کودکی است (پورطهماسبی و تاجور، ۱۳۸۹: ۲۹). از این رو یکی از ملاک‌های مسلم امیرالمومنین (ع) برای انتخاب کارگزاران توجه به ظرفیت بیوتات صالحه و انتخاب کارگزاران از میان خانه‌هایی است که به صلاحیت‌های مختلف مشهور هستند.

امیرالمومنین (ع) در عهدنامه خود به مالک اشتر، در دوجا به مالک توصیه می‌کنند که از ظرفیت بیوتات صالحه و خاندان‌های خوش سابقه در انتصاباتش استفاده کند. ایشان می‌فرمایند:

سپس به خاندان‌های با شخصیت و بامروت و خانواده‌های ریشه‌دار و برخوردار از حسب و افراد خانواده‌دار و صاحبان خویشاوندان صالح و خوش سابقه، خود را ملزم کن و به آنها بچسب. زیرا آنها اهل یاری، شجاع و با سخاوت و بلند نظر هستند. پس آنها سر چشمه کرم و شعبه‌های احسانند و به خوشبینی با خدا و ایمان به مقدراتش پیشرو هستند (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق: ۴۳۳).

امیرالمومنین (ع) در بند دیگری از منشور حکمرانی خود به مالک اشتر مجدداً سفارش التزام به بیوتات صالحه را می‌نماید و دلایل اینکار را بیان می‌کند:

از کارگزاران حکومت کسانی را انتخاب کن که از خاندان‌ها و خانواده‌های نجیب و شایسته و در اسلام پیش قدم‌ترند که اهل تجربه و حیا هستند، چرا که اخلاق آنان کریمانه‌تر، و خانواده ایشان سالم‌تر، و مردمی کم طمع‌تر، و در ارزیابی عواقب امور دقیق‌ترند (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق: ۴۳۵).

در عرب خانواده‌های دارای شرافت و خوش سابقه را به «بیت» منتسب می‌کنند. ابن حزم نیز ذکر می‌کند هر جا انساب برخی قبایل عرب را به «بیت» منسوب می‌کند، مقصودش شرافت آن

نسب است (ابن حزم، ۱۹۸۳: ۱۲). ابن خلدون نیز ارتباط «بیت» و «عصیت» را اینگونه بیان می‌کند:

بیت بودن و شرافت در معنای اصیل و حقیقی‌اش تنها به کسانی تعلق دارد که اهل عصیت ممدوح- باشند ولی کسانی که اهل عصیت نباشند، اطلاق واژه بیت بر آنها مجازی است. پس بیت به معنای کسی است که در خاندانی متولد می‌شود که دارای آباء و اجدادی شریف است و تولد فرد در این خاندان به معنای برخورداری از شرافت آباء و اجدادی و جلب حمایت و عصیت ایشان است.

آنگاه ابن خلدون برای توضیح بیشتر واژه بیت به این روایت نبوی استناد می‌کند: «مردم معدن‌هایی هستند، پس بهترین آنها در دوران جاهلیت، بهترین آنها در اسلام است به شرط اینکه اهل تفقه باشند». آنگاه ابن خلدون اضافه می‌کند: میزان بهره‌مندی از بیوتات بستگی به میزان عصیت ممدوح- آنها دارد. او با این حساب معنای بیت را امری ذومراتب و مقول به تشکیک می‌داند که بسته به میزان وجود عصیت و حمایت‌های درون‌خاندانی افراد از یکدیگر، شدت و ضعف پیدا می‌کند (ابن خلدون، ۱۹۸۸م، ج ۱: ۱۶۷ و ۱۶۸). البته در تاریخ صدر اسلام، گاهی این مفهوم مورد استحاله با معیارهای «سنت سیادت جاهلی» و «البیت الجاهلی» قرار گرفته است که نمونه عینی آن را می‌توان در استدلال مهاجرین حاضر در سقیفه بنی ساعده ملاحظه کرد (ناظمیان فرد، ۱۳۹۶: ۱۰۵ و ۱۰۶).

ابوالفرج اصفهانی، بیوتات مشهور عرب به شرافت و بزرگی را اینگونه ذکر می‌کند: «مهمترین و بزرگترین و باشرافت‌ترین بیت، بیت هاشم یا همان بنی‌هاشم هستند. بعد از بنی‌هاشم، بیت قیس یا آل حزیفه، بیت آل زراره، بیت شیبان یا بیت آل ذی‌الجدين، بیت یمن یا بیت بنی حارث». یکی از ملاک‌هایی که او می‌دهد این است که هر خانواده‌ای که سه پدر آن خانواده به صورت متوالی رئیس باشند، وقتی این ریاست به چهارمین نفر از آن خانواده منتقل شود، بیت آن قبیله در آنجا قرار می‌گیرد. با این حساب او بیت کنده یا آل اشعث بن قیس را به بیوت سابق اضافه می‌کند (ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۹: ۱۲۳).

خداوند متعال در قرآن کریم به بیوتات صالحه اشاره کرده است و برخی بیوت را بر برخی دیگر برتری داده است. «فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ» (النور: ۳۶). -از میان بیوت مختلف- بیوت و خانه‌هایی هستند که خداوند به آنها خدا اجازه داده همواره محترم و با عظمت باشند و نام و تسبیح وی در هر صبح و شام در آن خانه‌ها و بیوت، ذکر شود. فردی از امام باقر(ع) درباره مصداق خارجی این بیوت سؤال می‌کند

و امام در پاسخ به او می‌فرمایند: «این خانه‌هایی که خداوند متعال فرموده است، بیوت انبیاء (ع) است و بیت علی (ع) از جمله این بیوت است» (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۱۰۴).

در روایت دیگری امام باقر (ع) این بیوت را بیوت انبیاء، رسولان، حکما و ائمه هداة معرفی می‌کنند. آنگاه علم به این مسأله را ریسمان ایمانی می‌داند که تمام کسانی که پیش از این نجات یافتند به این ریسمان چنگ زدند و به وسیله آن هر کس از ائمه پیروی کند، نجات پیدا می‌کند. سپس امام می‌فرمایند: و خداوند عزّ و جل در کتابش می‌فرماید:

و اسحاق و یعقوب را به ابراهیم بخشیدیم، و هر یک را هدایت کردیم، و نیز نوح را پیش از این هدایت نمودیم، و از فرزندان او، داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون را هدایت کردیم؛ و این گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم. و زکریا و یحیی و عیسی و الیاس را نیز که از نسل اویند، هدایت نمودیم- همه از شایستگان بودند. و اسماعیل و یسّع و یونس و لوط را هدایت کردیم، و همه را بر جهانیان برتری دادیم. و از پدران و فرزندان و برادرانشان برخی را برتری عطا کردیم، و آنان را برگزیدیم و به راهی راست هدایت نمودیم (الانعام: ۸۷-۸۴).

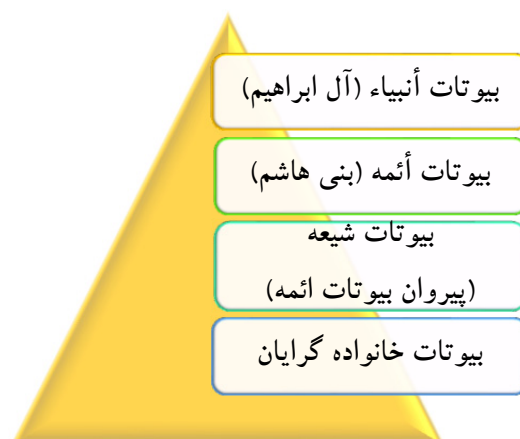
آنگاه امام در جمع‌بندی معنای بیوتات صالحه در این آیات می‌فرمایند: «پس همانا خداوند فضل و برتری را در اهل بیت -پیامبران و ائمه- و برادران و فرزندانشان موکول کرده است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸: ۱۱۹). از این آیات و روایات می‌توان فهمید که بیت حضرت ابراهیم (ع) که نسل پیامبران از این بیت است (الزخرف: ۲۸) و بیت بنی‌هاشم و امیرالمومنین (ع) که نسل ائمه از این بیت است، در سرسلسله و بالاترین مراتب بیوتات صالحه قرار دارد.

پس از بیوت انبیاء و ائمه هداة (ع)، بیوت شیعیان نیز از جمله بیوتات صالحه خوانده شده است. ابوذر غفاری نقل می‌کند: رسول خدا (ص) را دیدم که بر دوش علی بن ابی طالب زد و فرمود:

یا علی! هر کس ما را دوست بدارد پس او عربی است و هر کس با ما کینه و دشمنی داشته باشد، پس او از کافران عجمی است. شیعیان ما اهل بیوتات و از خانواده‌ها و قبایل شریف و صحیح النسب و حلال‌زاده‌اند، و کسی بر آیین ابراهیم (ع) جز ما و شیعیان ما نیست و سایر مردم از آیین ابراهیم بری و دورند (مفید(ج)، ۱۴۱۳ق: ۱۶۹؛ طوسی، ۱۴۱۴ق: ۱۹۱).

در روایت دیگری، امام صادق (ع) «قوم با کرامت» را مرادف بیوتات صالحه خوانده‌اند و برای یکی از یارانشان دعا می‌کند همسری از بیوتات روزی‌اش شود (قطب الدین راوندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱: ۳۰۴). در جانب مقابل، اهل بیت (ع) حتی از ازدواج و تشکیل خانواده با همسر

خوبی که در خانواده بدی رشد کرده است، نهی کرده‌اند و این افراد را به گلهایی تشبیه کرده‌اند که در مزبله‌ها رشد کرده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۳۳۲). لذا ابن ادریس حلی فتوا می‌دهد که مستحب است انسان برای ازدواج و تشکیل خانواده نیز دست به دامن بیوتات صالحه شود (حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۵۵۸). بنابراین افراد خانواده‌دار، آبرومند و پایبند به ضوابط نهاد خانواده و خانواده‌های موفق و متحد، حداقل معنای بیوتات صالحه را می‌رسانند.



شکل ۳. حقیقت ذومراتب و مُشکک بیوتات صالحه

۲.۴ نقش صلاحیت‌های خانوادگی در انتخاب کارگزاران در کردار امیرالمومنین(ع)

یکی از فضایل اخلاقی در حکومت اسلامی، هماهنگی میان گفتار و کردار است و عکس آن یک عیب اخلاقی به حساب می‌آید (شهیدی‌فر و فولادی، ۱۴۰۱: ۱۵۵). امیرالمومنین(ع) همواره صلاحیت‌های خانوادگی را به عنوان یکی از ملاک‌های شایستگی کارگزاران در نظر داشتند؛ اما در مواردی نیز به دلیل شرایط خاص - این اصل رعایت نشده است. لذا پیش از تحلیل نقش تربیت خانوادگی افراد در احراز میزان تربیت سیاسی لازم به ذکر است که با توجه به ساختار قبیله‌ای جامعه عرب، حاکمان در انتخاب برخی فرماندهان، به ویژه فرماندهان قبایل، نقش چندانی نداشتند. این موضوع نیز در مواردی مشکل‌آفرین می‌شد؛ به عنوان مثال با عین حال که اشعث سوابق بسیار منفی عقیدتی و خانوادگی داشت، اما از آنجا که رئیس قبیله کننده بود جایگاه مهمی پیدا کرده بود. امیرالمومنین(ع)، در جنگ صفین با عین حال که می‌خواستند حسان بن مخدوج را مسئول قبیله ربیع و کننده نمایند، اما این مسأله موجب اختلاف شد و

نقش صلاحیت‌های خانوادگی در انتخاب کارگزاران حکومت علوی (محمدرضا آرام) ۹۷

افراد قبیله‌کنده و حتی بزرگانی از اهل یمن چون مالک اشتر و هانی بن عروه از اشعث به این مسأله اعتراض کردند و اشعث نیز از این انتخاب ناراحت شد. امیرالمومنین (ع) برای جلب رضایت اشعث و حل اختلاف قبیله‌کنده و ربیعیه، وی را مسئول میمنه سپاهشان قرار دادند (نصر بن مزاحم، ۱۴۰۴ق: ۱۴۰-۱۳۶). با در نظر داشتن این نکته، سرفصل‌هایی از مداخله صلاحیت‌های خانوادگی در صلاحیت‌های سیاسی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

۱.۲.۴ تعدد انتصابات سیاسی از یک خانواده

یکی از جلوه‌های مداخله صلاحیت‌های خانوادگی در صلاحیت‌های سیاسی، انتصاب چند کارگزار از یک خانواده است. در ادامه به مصادیق انتصابات امیرالمومنین (ع) از میان خویشاوندانشان و بیوتات صالحه می‌پردازیم:

الف. والیان امیرالمومنین (ع) از میان بنی‌هاشم و خویشاوندان

با توجه به اینکه بنی‌هاشم یکی از مصادیق مهم بیوتات صالحه به حساب می‌آید، طبیعی بود که بنی‌هاشم نقش‌آفرینی‌های مهمی در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی دولت علوی پیدا کنند.

یک. انتصاب پسرعموها

خاندان عباس عموی امیرالمومنین (ع) و پیامبر (ص)، یکی از مصادیق بیوتات صالحه بودند. مشهور بوده است که «هر کس طالب زیبایی، فقاقت و سخاوت است باید به خانه عباس مراجعه کند؛ زیبایی برای فضل بن عباس است و فقه برای عبد الله بن عباس و سخاوت و جود برای عبید الله بن عباس» (ابن عبد البر، ۱۹۹۲م، ج ۳: ۱۰۱۰) از این رو فرزندان عباس، نقش مهمی در اداره حکومت علوی ایفا کردند. با توجه به اینکه امیرالمومنین (ع) عبدالله بن عباس را به عنوان کارگزار بصره، عبید الله بن عباس را به عنوان کارگزار منطقه یمن و قثم بن عباس را به عنوان کارگزار مدینه منصوب می‌کنند، عملاً می‌توانیم بگوییم سه شهر از هفت شهر اصلی آن زمان در کنترل پسر عموهای امیرالمومنین (ع) قرار می‌گیرد.

اول. عبد الله بن عباس

از میان فرزندان عباس معروفترین فرزند، عبدالله است، که وقتی عبارت «ابن عباس» به تنهایی می‌آید انصراف به عبدالله بن عباس پیدا می‌کند. عبدالله بن عباس، سه سال پیش از هجرت در شعب ابی طالب متولد شد، لذا حدود ۲۰ سالی از امیرالمومنین (ع) کوچکتر بود (ابن عبد البر، ۱۹۹۲م، ج ۳: ۹۳۳). مادر عبدالله و تمام فرزندان معروف عباس، ام الفضل خواهر میمونه همسر پیامبر (ص) بود. نقل است که این زن اولین زنی بود که بعد از حضرت خدیجه (س) اسلام آورد و پیامبر (ص) نیز به دیدار او می‌رفتند (ابن عبد البر، ۱۹۹۲م، ج ۴: ۱۹۰۸).

ابن عباس در زمان امیرالمومنین (ع) از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود و در مواقع مختلف حکومت علوی نقش‌آفرینی‌های اثرگذاری داشته است که کارگزاری بصره (ابن حجر، ۱۹۹۵م، ج ۴: ۱۲۹) و فرماندهی نظامی در جنگ‌های جمل و صفین از مهمترین آنها بوده است. ابن عباس در جنگ جمل فرمانده مقدمه سپاه بود (دینوری، ۱۹۹۰م، ج ۱: ۹۰). در جنگ صفین نیز امام او را با خود به نبرد با معاویه می‌برند. او در جنگ صفین یکی از فرماندهان سپاه امیرالمومنین (ع) بود (ابن اثیر، ۱۹۸۹م، ج ۳: ۱۸۸). همچنین در ماجرای حکمیت امیرالمومنین (ع) در ابتدا ابن عباس را به خاطر سوابق درخشان و قرشی بودن به عنوان نماینده خود معرفی می‌کنند که اتفاقاً بخشی سپاهیان امیرالمومنین (ع) به خاطر انتساب خویشاوندی ابن عباس به امیرالمومنین (ع) با این پیشنهاد مخالفت می‌کنند و ابوموسی اشعری را به عنوان نماینده مذاکرات، به امام تحمیل می‌کنند (نصر بن مزاحم، ۱۴۰۴: ۴۹۹ و ۵۰۰؛ ابن اعثم، ۱۹۹۱م، ج ۴: ۱۹۸).

دوم. عبید الله بن عباس

پسر عموی دیگر امیرالمومنین (ع) و برادر ابن عباس، عبید الله بن عباس است که به سخاوت مشهور است. امیرالمومنین (ع) او را «والی یمن» قرار می‌دهند. اما زمانی که معاویه سپاهی به فرماندهی بسر بن ارطاة برای غارت به یمن اعزام می‌کند، عبید الله در قتل بسر و جنگ با او سستی به خرج می‌دهد و پا به فرار می‌گذارد. بسر ضمن غارت یمن، دو پسر عبید الله را به قتل می‌رساند. پس از آن امیر المومنین (ع) جاریة بن قدامه سعدی را برای سرکوب بسر به یمن اعظام می‌کند و بسر بن ارطاة سرکوب می‌شود. عبید الله بن عباس نیز پس از سرکوب بسر و

نقش صلاحیت‌های خانوادگی در انتخاب کارگزاران حکومت علوی (محمدرضا آرام) ۹۹

آرام شدن اوضاع، به یمن باز می‌گردد و تا شهادت امیرالمومنین(ع) والی یمن باقی می‌ماند (ابن عبد البر، ۱۹۹۲م، ج ۳: ۱۰۰۹).

عباس عموی امیرالمومنین(ع) پسران دیگری چون قثم و معبد داشت که امیرالمومنین(ع) قثم را به عنوان والی مدینه (زركلی، ۱۹۸۹م، ج ۵: ۱۹۰؛ ابن عبد البر، ۱۹۹۲م، ج ۳: ۱۳۰۴) و معبد را به عنوان والی مکه منصوب می‌کنند (ابن حزم، ۱۹۸۳: ۱۷).

دو. انتصاب خواهرزاده امیرالمومنین(ع)؛ جعدة بن هبیره مخزومی

جعدة بن هبیره، فرزند امّ هانی بنت ابوطالب بود. از این رو امیرالمومنین(ع) دایی او محسوب می‌شود. آن حضرت در دوران حکومتشان جعدة را -که فردی فقیه بود- والی خراسان قرار دادند (ابن عبد البر، ۱۹۹۲م، ج ۱: ۲۴۰). امیرالمومنین(ع) این خواهرزاده خود را بسیار دوست می‌داشتند. وقتی آن حضرت به کوفه وارد شدند، دستور دادند که ایشان را وارد بر خانه جعدة بن هبیره کنند (نصر بن مزاحم، ۱۴۱۴ق: ۵). همچنین یکی از مواضعی که ایشان دستور دادند برای قبرشان حفر شود، در خانه جعدة بن هبیره بود (ثقفی، ۱۳۹۵ق، ج ۲: ۸۴۶). جعدة فرد بسیار شجاع و از نام‌آوران جنگی حضرت بود. عتبه بن ابی سفیان در جنگ وقتی شدّت و حدّت جعدة را مشاهده می‌کند به او می‌گوید: ریشه این همه شدّت و شجاعت به دایی تو بر می‌گردد. جعدة در پاسخ به او می‌گوید: «اگر تو نیز یک دایی همچون دایی من می‌داشتی، قطعاً پدرت را از یاد می‌پردی و او را در برابر این چنین دایی‌ای به حساب نمی‌آوردی» (مفید(الف)، ۱۴۱۳ق: ۷۰).

سه. انتصاب داماد و برادرزاده؛ عبدالله بن جعفر به عنوان فرمانده و مشاور ارشد

عبد الله بن جعفر در حبشه به دنیا آمد و در هفت سالگی مفتخر به ملاقات و بیعت با پیامبر(ص) شد. عبدالله بن جعفر به سخاوتمندترین فرد عرب مشهور بود (ابن عبد البر، ۱۹۹۲م، ج ۳: ۸۸۱). مادر عبدالله، اسماء بنت عمیس بود. محمد بن ابی بکر و یحیی بن علی بن ابی طالب(ع) برادران عبدالله از طرف مادر هستند (ابن اثیر، ۱۹۸۹م، ج ۳: ۹۴).

عبد الله بن جعفر ارتباط بسیار عمیقی با خاندان حضرت رسول(ص) پیدا کرده بود. او داماد امیرالمومنین(ع) و شوهر حضرت زینب(س) بود و با عمویش در صفین حاضر شد ولی امیرالمومنین(ع) -در کنار حسنین(ع) و محمد بن علی- اجازه جنگیدن به جعفر ندادند و علت آن را اینگونه بیان کردند:

پس دانستم که اگر حسن(ع) و حسین(ع) کشته شوند، نسل محمد(ص) از این امت قطع می‌شود، پس کراحت داشتم تا آنها را راهی میدان کنم. و دانستم اگر محمد بن علی و عبد الله بن جعفر را راهی میدان کنم و آنها کشته شوند، دیگر از وجود آنها در سپاه و خانه‌ام محروم خواهم شد (نصر بن مزاحم، ۱۴۰۴ق: ۵۳۰؛ مسکویه، ۱۳۷۹، ج ۱: ۵۵۲).

یکی از مشاوران ارشد امیرالمومنین(ع) که در حاشیه حکومت علوی تصمیم‌سازی‌های مهمی انجام می‌داد، عبد الله بن جعفر بود. از مهمترین اثرگذاری‌های او عزل قیس بن سعد از مصر و جانشینی برادرِ مادری‌اش، محمد بن ابی بکر بود. ماجرا از این قرار است که پس از مکاتبه‌هایی که میان قیس و معاویه انجام شد، در مصر شایعه شد که قیس با معاویه مصالحه کرده است و لذا فتنه‌ای در مصر علیه قیس پدیدار شد. در این زمان امیرالمومنین(ع) از حسین و محمد بن ابی بکر و عبد الله بن جعفر مشورت خواستند، که عبد الله بن جعفر به امیرالمومنین(ع) پیشنهاد داد که قیس را عزل کنند. قیس طی نامه‌ای به امیرالمومنین(ع) تصریح می‌کند با معاویه مصالحه‌ای انجام نداده است، اما دوباره عبد الله بن جعفر برای دفع فتنه مصر و عدم ریزش هواداران امیرالمومنین(ع)، خواستار عزل قیس و جانشینی محمد بن ابی بکر به جای او می‌شود.

راوی ادامه می‌دهد:

و عبد الله بن جعفر برادر محمد بن ابی بکر از جانب مادر بود و عبد الله بسیار دوست می‌داشت تا قدرت و حکومت نصیب برادرش محمد بن ابی بکر شود. پس امیرالمومنین(ع) نیز محمد بن ابوبکر را به خاطر عشق و علاقه‌شان به او و همچنین به خاطر میل عبد الله بن جعفر به او، به عنوان کارگزار مصر منصوب می‌کنند. حضرت علی(ع) محمد بن ابوبکر را طی حکمی روانه مصر می‌کنند و او وقتی وارد مصر می‌شود، قیس از این حکم تعجب می‌کند و می‌گوید: «امیرالمومنین(ع) را چه شده است؟! چه چیزی او را تغییر داده است، آیا کسی رابطه میان من و او را شکراب کرده است؟» محمد پاسخ می‌دهد: «هرگز و این سلطنت سلطنت تو نیز هست». فی الواقع با توجه به اینکه قیس شوهر عمه محمد بن ابی بکر بود، محمد به می‌گوید هنوز هم حکومت مصر از آن توست و به نوعی پیشنهاد همکاری به او می‌دهد، ولی قیس با ناراحتی بدون اینکه به سمت امیرالمومنین(ع) و کوفه برود، راهی مدینه می‌شود (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۶: ۶۲ و ۶۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۳: ۵۳۸ و ۵۳۹).

با عین حال که به نظر می‌رسد امیرالمومنین(ع)، خودشان به عزل قیس راضی نبودند و مشاوران و اصحاب امیرالمومنین(ع) ایشان را وادار به این کار کردند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۳:

نقش صلاحیت‌های خانوادگی در انتخاب کارگزاران حکومت علوی (محمد رضا آرام) ۱۰۱

۵۴۰)، ولی فارغ از درستی یا نادرستی این تحلیل، عبد الله بن جعفر بن ابی طالب، داماد و برادر زاده امیرالمومنین (ع)، با در نظرگیری رابطه اُخوتش با محمد بن ابی بکر، و نفوذی که در خانه و دستگاه سیاسی امیرالمومنین (ع) داشت، به تصریح گزارش‌های تاریخی، نقش مهمی در عزل قیس ایفا کرد.

چهار. انتصاب فرزندخوانده؛ محمد بن ابی بکر

محمد بن ابی بکر حاصل ازدواج ابوبکر بن ابی قحافه با اسماء بنت عمیس بود. پس از مرگ ابوبکر، امیرالمومنین (ع) با اسماء بنت عمیس ازدواج می‌کنند و محمد بن ابی بکر که هنوز خردسالی بیش نبوده، به فرزندخواندگی امیرالمومنین (ع) در می‌آید و در خانه آن حضرت نشو و نما پیدا می‌کند (ابن عبد البر، ۱۹۹۲ق، ج ۳: ۱۳۶۶). ابن ابی الحدید می‌نویسند: «محمد ربیب علی (ع) و به منزله یکی از اولاد ایشان بود. او از دوران کودکی از چشمه جوشان تشیع و ولایت سیراب می‌شد». وی ادامه می‌دهد: «محمد بن ابی بکر هیچ کس را به عنوان پدر خود، جز علی (ع) نمی‌شناخت و برای هیچ کسی جز امیرالمومنین (ع) فضیلتی قائل نبود» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۶: ۵۳). به دلیل این میزان قرابت محمد با امیرالمومنین (ع) بود که آن حضرت در خصوص نسب محمد فرمودند: «محمد ابنی من صلب ابی بکر» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۶: ۵۳). محمد فرزند من از صلب ابوبکر است.

امیرالمومنین (ع) در دوران حکومتشان مناصب مهمی به فرزندخوانده خود دادند؛ یکی از مهمترین این مناصب فرماندهی نظامی بود. محمد بن ابی بکر، در جنگ جمل یکی از فرماندهان نظامی بود و در صفین نیز حضور داشت (ابن عبد البر، ۱۹۹۲ق، ج ۳: ۱۳۶۶). پس از شکست اصحاب جمل و دستگیری عایشه، امیرالمومنین (ع) محمد بن ابی بکر را مسئول پیگیری حصر خانگی خواهرش عایشه، در بصره قرار می‌دهند (طبری، ۱۹۶۷م، ج ۴: ۴۳۴).

جدول ۱. مهمترین انتصابات حکومت علوی از میان خاندان بنی‌هاشم

انتصابات امیرالمومنین(ع) از میان خاندان بنی‌هاشم			
نام کارگزار	نسبت خویشاوندی با امیرالمومنین(ع)	سمت سیاسی کارگزار	سمت نظامی کارگزار
عبد الله بن عباس	پسرعمو	والی بصره	فرمانده مقدمه در جمل فرمانده میسره در صفین
عبید الله بن عباس	پسرعمو	والی یمن	فرمانده نظامی در سرکوب حمله بسر بن اوطاة به یمن
جعده بن هبیره	خواهرزاده	والی خراسان	از فرماندهان صفین
عبد الله بن جعفر	داماد و برادرزاده	مشاور ارشد	مشاور ارشد نظامی و تأثیرگذار در عزل قیس بن سعد و جانشینی محمد بن ابی بکر در مصر
محمد بن ابی بکر	فرزندخوانده	والی مصر	فرمانده نظامی در صفین فرمانده نظامی در جمل و مسئول رسیدگی به حصر خانگی عایشه

ب. والیان و فرماندهان امیرالمومنین(ع) از خاندان صوحان

صعصعه بن صوحان، از یاران نزدیک امیرالمومنین(ع) بود. امام صادق(ع) در خصوص صعصعه می‌فرمایند: «هیچ کس از یاران امیرالمومنین(ع) به اندازه صعصعه و اصحابش، حقّ امیرالمومنین(ع) را نمی‌شناختند» (ثقفی، ۱۳۹۵ق، ج ۲: ۸۸). خاندان صعصعه به فصاحت و بلاغت و سخنوری مشهور بودند. صعصعه و دو برادر دیگرش زید و سیحان در حاضرین در جنگ جمل بودند و حمل پرچم در جنگ جمل به دوش صعصعه بود (ابن سعد، ۱۹۹۰م، ج ۶: ۲۴۴). صعصعه در جنگ صفین، فرمانده قبیله‌اش، عبدالقیس نیز بود (نصر بن مزاحم، ۱۴۰۴ق: ۲۰۶).

او مشاور ارشد امیرالمومنین(ع) بود. با وساطت و شفاعت صعصعه بود که امیرالمومنین(ع) منذر بن جارود -که از قبیله صعصعه بود- را آزاد کردند (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲: ۲۰۴). صعصعه از شناخته‌شده‌ترین و وجوه اصحاب امیرالمومنین(ع) بود. لذا امیرالمومنین(ع) با صعصعه درباره معاویه مشورت می‌خواستند و وی را به عنوان سفیر و خطیب خود به شام اعزام کردند (مسعودی، ۱۴۰۹ق، ج ۳: ۳۸).

نقش صلاحیت‌های خانوادگی در انتخاب کارگزاران حکومت علوی (محمد رضا آرام) ۱۰۳

برادران صعصعه زید بن صوحان و سیحان بن صوحان، از دیگر اصحاب مخصوص امیرالمومنین(ع) بودند که نقش موثری در تحریک و تشویق اهل کوفه به حضور در جنگ جمل داشتند. این دو برادر نیز در جنگ جمل در رکاب امیرالمومنین(ع) شهید شدند (ابن عبد البر، ۱۹۹۲م، ج ۲: ۵۵۵؛ ابن حجر، ۱۹۹۵م، ج ۳: ۱۹۵).

ج. والیان و فرماندهان امیرالمومنین(ع) از خاندان حنیف

خاندان حنیف از بزرگان انصار بودند که دو پسر این خانواده، در حکومت علوی نقش‌آفرینی‌های مهم و ارزشمندی ایفا کردند.

یک. سهل بن حنیف

سهل بن حنیف در تمام غزوات حضرت رسول(ص) از جمله بدر و احد شرکت داشت و از کسانی بود که تا آخرین لحظه در احد ثابت‌قدم ماند و بر شهادت با پیامبر(ص) بیعت کرده بود. او در زمان امیرالمومنین(ع)، مصاحب و ملازم ایشان بود و از جانب امیرالمومنین(ع) مدتی والی مدینه بود و سپس در صفین به عنوان فرمانده نظامی حضور یافت و بعد از صفین نیز از جانب امیرالمومنین(ع) به عنوان والی فارس منصوب شد (ابن عبد البر، ۱۹۹۲م، ج ۲: ۶۶۲ و ۶۶۳). سهل از محبوبترین افراد نزد امیرالمومنین(ع) بود (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق: ۴۸۸). در حضور امام صادق(ع) از سهل بن حنیف یاد می‌کنند. آن حضرت در شأن و منقبت او می‌فرمایند: «سهل از نقبا بود» (عهده‌ای از علما، ۱۳۶۳: ۸۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۸: ۳۷۶).

دو. عثمان بن حنیف

عثمان بن حنیف برادر سهل بن حنیف بود. او در غزوه احد و تمام غزوات پس از آن حاضر بود (ابن اثیر، ۱۹۸۹م، ج ۳: ۴۷۳). عثمان بن حنیف و برادرش سهل از جمله ۱۲ نفری بودند که به سقیفه اعتراض کردند و سخنرانی‌های انتقادی کوبنده‌ای علیه خلیفه اول و دوم انجام دادند (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ۷۸ و ۷۹). امیرالمومنین(ع) در زمان حکومتشان، عثمان بن حنیف را به عنوان والی بصره منصوب کردند (ابن اثیر، ۱۹۸۹م، ج ۳: ۴۷۳). وقتی اصحاب جمل وارد بصره می‌شوند، عایشه دستور قتل عثمان بن حنیف را می‌دهد، اما برخی از اطرافیان عایشه به خاطر سوابق درخشان عثمان، مانع از این کار می‌شوند. آنها هنگام دستگیری عثمان بن حنیف، به

شدت او را مورد ضرب و شتم قرار می‌دهند و تمام موهای سر و صورتش و حتی ابروها و پلک‌هایش را از جا در می‌آورند (مسکویه، ۱۳۷۹، ج ۱: ۴۷۹)!

د. والیان و فرماندهان امیرالمومنین(ع) از میان خاندان سعد بن عباد

سعد بن عباد، رئیس و سرور تمام انصار و بسیار مورد اطاعت و اکرام آنها بود (ابن اثیر، ۱۹۸۹م، ج ۲: ۲۰۴). دو فرزندان این بیت صالحه، نقش‌آفرینی‌های مهمی در طول تاریخ مخصوصاً در دوران حکومت علوی داشتند.

قیس، به همراه برادر و پدر و پدربزرگش، شریف و رئیس بلامنازع در میان انصار بوده‌اند. او از باکرامت‌ترین و شریف‌ترین اصحاب رسول خدا(ص) و از ده‌ا‌ه عرب و در عین حال سخی و کریم و شجاع بود. قیس برای پیامبر(ص) نیز به منزله رئیس شرطة الخميس عمل کرد. در روز فتح مکه پیامبر(ص) در واکنش به اعتراض قیس به پدرش، پرچم را از دست پدر گرفته و به دست قیس دادند. پیامبر(ص) در مدح این خانواده می‌فرمایند: «همانا جود و کرم از اخلاق این خانواده است». قیس در حکومت علوی، رئیس شرطة الخميس بود و در تمامی جنگ‌ها دوشادوش امیرالمومنین(ع) به عنوان یک فرمانده نظامی می‌جنگید. امیرالمومنین(ع) او را به عنوان والی مصر منصوب می‌کنند (ابن عبد البر، ۱۹۹۲م، ج ۳: ۱۲۸۹ و ۱۲۹۰). قیس به قدری برای امیرالمومنین(ع) یار و کمک‌کار، و برای معاویه مایه اذیت و آزار بود، که معاویه در کنار امیرالمومنین(ع)، حسنین(ع) و ابن عباس، او را نیز قنوت نمازهایش لعنت می‌کرد (نصر بن مزاحم، ۱۴۰۴ق: ۵۵۲)!

پس از آنکه محمد بن ابی بکر جانشین قیس در مصر می‌شود و اوضاع مصر به هم می‌ریزد، امیرالمومنین(ع) او و مالک اشتر را به عنوان گزینه‌های جایگزین در نظر می‌گیرند. آنگاه تصمیم می‌گیرند که مالک اشتر را روانه مصر کنند و به قیس دستور می‌دهند که پس از سر و سامان دادن به شرطة الخميس به آذربایجان برود و والی آن منطقه گردد (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۶: ۷۴؛ ثقفی، ۱۳۹۵ق، ج ۱: ۲۵۷).

قیس بن سعد در جنگ نهروان، فرماندهی مردم مدینه - که حدود ۷۰۰ تا ۸۰۰ نفر برآورد شده‌اند - را بر عهده داشت (ابن قتیبہ دینوری، ۱۹۹۰م، ج ۱: ۱۶۹). همچنین قیس بن سعد و قبیله‌اش در جنگ‌های جمل و صفین در رکاب امیرالمومنین(ع) جنگیدند و قیس تا زمان شهادت امام(ع) در کنار ایشان بود (ابن عبد البر، ۱۹۹۲م، ج ۳: ۱۲۹۰).

۲.۲.۴ استفاده از ظرفیت بیوتات عرب و نظام قبیله‌ای در حکومت علوی

علاوه بر استفاده امیرالمومنین(ع) از ظرفیت بیوتات صالحه در اداره حکومت، آن حضرت توجه ویژه‌ای به نقش قبایل، در رتق و فتق امور و کادرسازی برای مناصب سیاسی داشتند. در این میان افرادی که در بین قبیله خود از سیادت، شرافت یا خاندان بزرگ و معتبری برخوردار بودند، نقش مهمی در حکومت علوی ایفا کردند و مناصب مهم سیاسی را به خود اختصاص دادند.

یکی از دلایل توجه به بیوتات عرب و سران قبایل این است که حضرت تعصب نسبت به مکارم اخلاق و افعال نیکو و کارهای خوب را از ویژگی‌های گره خورده با بیوتات عرب و سران قبایل ذکر می‌کنند (شریف الرضی، ۱۴۰۴ق: ۲۹۵). بر این اساس پیوستن یا نپیوستن رئیس یک قبیله به هر کدام از طرفین جنگ می‌توانست نقش مهمی در پیروزی یا شکست هر کدام از طرفین ایفا کند. به عنوان مثال در جنگ جمل گروهی از قبیله بکر بن وائل بصره به فرماندهی شقیق بن ثور و گروهی از قبیله عبد القیس به فرماندهی عمر بن مرجوم عبدی نزدیک دو سپاه شدند که جمعیت آنها به قدری زیاد بودند که افراد حاضر در میدان گفتند: هر گروهی که افراد این دو قبیله به آنها پیوندند، قطعاً پیروز میدان خواهد بود. آنها به سپاه امیرالمومنین(ع) پیوستند (طبری، ۱۹۶۷م، ج ۴: ۵۰۱).

در اینجا به اختصار به برخی رؤسا و افراد ذی نفوذ قبایل در حکومت علوی اشاره می‌کنیم؛

الف. احنف بن قیس

او رئیس قبیله بنی سعد و سید و سرور اهل بصره بود (ابن حجر، ۱۹۹۵م، ج ۱: ۳۳۲). او را از بزرگان تابعین در بصره و از ده‌ها و حکما و عقلا برشمرده‌اند (ابن عبد البر، ۱۹۹۲م، ج ۱: ۱۴۵). مهمترین نقش آفرینی در حکومت علوی در ماجرای جنگ جمل بود. در ماجرای جنگ جمل بیشتر افراد قبیله او، طرفدار عایشه بودند اما با توجه به اینکه احنف در میان قبیله‌شان فردی مطاع بود به نحوی تدبیر کرد که هیچ‌کدام از افراد قبیله‌اش به سپاه عایشه نپیوندند. او پیش از جنگ جمل اینگونه به امیرالمومنین(ع) نامه می‌نویسد: «همانا من تابع فرمان شما در میان قومم هستم؛ اگر دستور بفرمایید با دویست نفر از اهل بیتم به یاری شما می‌آیم و اگر تمایل دارید می‌توانیم موضع بی‌طرفی بگیریم و در عوض ۴۰۰۰ شمشیر از بنی سعد را از شما دور کنیم». امیرالمومنین(ع) در پاسخ به او می‌فرماید: «بلکه موضع بی‌طرفی بگیرد و این شمشیرها را از ما

دور کن» (مفید(ب)، ۱۴۱۳ق: ۲۹۵). بنابراین با توجه به جایگاه مهم احنف در میان قبیله‌اش و استفاده امیرالمومنین(ع) از این ظرفیت، بخش زیادی از طرفداران عایشه ریزش می‌کنند.

ب. عدی بن حاتم طائی

او فردی شریف و خطیب بود که ریاست قبیله طی را برعهده داشت (ابن عبد البر، ۱۹۹۲م، ج ۳: ۱۰۵۷). وقتی افراد در جنگ صفین تردید کردند، این عدی بن حاتم بود که آنها را تشویق به جنگ کرد (دینوری، ۱۹۹۰م، ج ۱: ۱۴۱). همچنین امیرالمومنین(ع) عدی بن حاتم را به عنوان مسئول مذاکرات با معاویه در جریان جنگ صفین قرار می‌دهند (نصر بن مزاحم، ۱۴۰۴ق: ۱۹۷). دو فرزند عدی در رکاب امیرالمومنین(ع) شهید شده بودند؛ معاویه به او می‌گوید: «علی در حق تو انصاف را رعایت نکرده که دو پسرش را به کام مرگ کشانده و دو پسرش زنده هستند». عدی در پاسخ به او می‌گوید: «در حق علی(ع) انصاف را رعایت نکرده‌ام، اگر او کشته شود و من زنده باشم» (مسعودی، ۱۴۰۹ق، ج ۳: ۴).

ج. الحارث بن الربیع

او و پدرش در زمان جاهلیت منزلت خاصی در میان قومشان داشتند (ابن حجر، ۱۹۹۵م، ج ۱: ۶۶۷). حارث بن ربیع به عنوان آخرین کارگزار امیرالمومنین(ع) در مدینه تعیین می‌شود (طوسی، ۱۳۷۳: ۶۱).

د. خالد بن المعمر

خالد رئیس بکر بن وائل از قبیله ربیعه بود. خالد از فرماندهان جنگی امیرالمومنین(ع) در جنگ جمل و صفین بود و قبیله او نیز نقش موثری در این جنگ‌ها ایفا کردند (ابن حجر، ۱۹۹۰م، ج ۲: ۲۰۹).

ه. محمد بن ابی حذیفه

او نوه عتبه بن ربیعه و پسر دایی معاویه بود (ابن اثیر، ۱۹۸۹م، ج ۴: ۳۱۱). پس از مرگ پدر محمد بن ابی حذیفه، عثمان کفالت و فرزندخواندگی او را برعهده گرفت. اما بعد از چند سال محمد به یکی از مهمترین مخالفان عثمان تبدیل شد و مشوق اهل مصر برای مبارزه، محاصره و

نقش صلاحیت‌های خانوادگی در انتخاب کارگزاران حکومت علوی (محمدرضا آرام) ۱۰۷

قتل عثمان بود. امیرالمومنین(ع) پیش از قیس بن سعد، محمد بن ابی حذیفه را به عنوان والی مصر منصوب کرد(ابن عبد البر، ۱۹۹۲م، ج ۳: ۱۳۶۹). محمد بعدها توسط معاویه زندانی می‌شود و وقتی موفق به فرار از زندان می‌شود، به قتل می‌رسد(ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۶۴ و ج ۶: ۱۰۱).

و. مخنف بن سلیم بن الازدی

مخنف رئیس قبیله‌اش و برخی قبایل دیگر در صفین بود و پرچم قبیله ازد در جنگ صفین به دست او بود. امیرالمومنین(ع) او را والی اصفهان قرار می‌دهند(ابن عبد البر، ۱۹۹۲م، ج ۴: ۱۴۶۷).

ز. سعید بن قیس الهمدانی

سعید رئیس قبیله همدان و بزرگ آنها بود که رشادتهایی زیادی در جنگ‌های امیرالمومنین(ع) به خرج داد. او فرمانده قبیله خود در جنگ جمل و صفین بود (قمی، ۱۴۱۴ق، ج ۴: ۱۵۷). سعید از سفیران و مسئولان مذاکره امام با معاویه بود (نصر بن مزاحم، ۱۴۰۴ق: ۱۸۷). پس از آنکه ماجرای حکمیت در صفین پیش می‌آید، سعید، خود و قبیله‌اش را آماده نبرد با معاویه اعلام می‌کند، ولی امیرالمومنین(ع) از ارسال تنها یک قبیله برای نبرد با معاویه امتناع می‌کنند (نصر بن مزاحم، ۱۴۰۴ق: ۵۲۰). سعید و قبیله‌اش مورد مدح و منقبت امیرالمومنین(ع) قرار گرفتند و حضرت در وصف آنها این شعری با این مضمون سرودند: «سوارکارانی از همدان که هرگز پا پس نمی‌کشند. رهبر آنها سعید بن قیس است که حامی حقیقت و صاحب مجد و کرم و حمایت است» (مازندرانی، ۱۳۷۹، ج ۳: ۱۷۲). خداوند به قبیله همدان بهشت را جزای خیر دهد، چرا که همانا این قبیله تیر تیزی بر قلب دشمنان در روز جنگ است. پس اگر من دربان درب بهشت می‌بودم، به قبیله همدان می‌گفتم با سلام و تحیت وارد بهشت شوید (نصر بن مزاحم، ۱۴۰۴ق: ۲۷۴).

۳.۲.۴ لحاظ کردن صلاحیت‌های خانوادگی در انتخاب کارگزاران

یکی از شاخصه‌های انتخاب کارگزاران در دولت علوی، توجه به صلاحیت‌های خانوادگی و حسن پیشینه آباء و اجدادی آنها بود.

الف) منذر بن جارود: منذر بن جارود از روسای قبیله عبدالقیس در بصره بود (ابن حجر، ۱۹۹۵م، ج ۱: ۵۵۳). خاندان منذر از خانواده‌های با شرافت در میان قبیله عبد القیس بود (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱۸: ۵۵). حضرت امیرالمومنین (ع) در نامه ۷۱ نهج البلاغه تصریح می‌فرماید که ملاکشان برای انتخاب منذر بن جارود عبدی به کارگزاری اصطخر فارس «صلاحیت پدر» او بوده است (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق: ۴۶۱ و ۴۶۲). اما با عین حال، پسر راه پدر را طی نمی‌کند و با اختلاس در اموال بیت‌المال به حکومت اسلامی خیانت می‌کند (ثقفی، ۱۳۹۵ق، ج ۲: ۳۵۸)! با عین حال که منذر بن جارود در حق امیرالمومنین (ع) خیانت می‌کند و صلاحیت‌های خاندانی او امیرالمومنین (ع) را فریب می‌دهد، اما حضرت از ملاک خود برای انتخاب منذر یا همان در نظر گرفتن صلاحیت‌های خاندانی افراد به عنوان یکی از ملاک‌های شایستگی سیاسی، دست بر نمی‌دارند. حضرت در همین نامه، «شتر خانواده منذر» را از او با ارزش‌تر یا طبق نقل دیگری «فرد جاهل از این خانواده» را بهتر از منذر ارزیابی می‌کنند (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲: ۲۰۴).

ب) نعمان بن عجلان: یکی دیگر از کارگزاران امیرالمومنین (ع) که صلاحیت‌های خویشاوندی در حسن ظن و انتخاب او به عنوان کارگزار، تأثیر به‌سزایی داشته، نعمان بن عجلان است. او از روسا و سادات قبیله انصار و تیره بنی زریق و از شاعران معروف بود و در میان قومش از احترام خاصی برخوردار بود. وی پس از شهادت حضرت حمزه، با همسر ایشان -خوله بنت قیس- ازدواج می‌کند (ابن اثیر، ۱۹۸۹م، ج ۴: ۵۵۸). امیرالمومنین (ع) نعمان را با حسن ظن به صلاحیت‌های عشیره‌اش، به عنوان والی بحرین و عمان انتخاب می‌کنند، ولی او خیانت کرده و از اموال بحرین به نفع خویشاوندانش -اختلاس می‌کند (ابن اثیر، ۱۹۸۹م، ج ۴: ۵۵۹ و ۵۶۰).

پس از اختلاس نعمان، امیرالمومنین (ع) در توییح‌نامه خود به او، از عشیره نعمان تعریف و تمجید می‌کنند و به نقش این حسن سابقه عشیره‌اش در حسن ظن به او اشاره می‌کنند. (بلاذری، ۱۹۷۴م، ج ۲: ۱۵۹). این نامه تسریح به این دارد که اولاً حضرت به سوابق شخصی و اینکه نعمان از روسای قبیله بنی زریق است توجه دارند و ثانیاً یکی دیگر از دلایل انتخاب او به عنوان کارگزار بحرین سوابق خوب و حسن شهرت قبیله نعمان است که نوعی حسن ظن نسبت به او را نیز در حضرت ایجاد کرده است و حضرت نمی‌خواهند این حسن ظن با گزارش‌های واصله از بین برود.

۴.۲.۴ در نظر گرفتن مناسبات و اقتضائات قومی-قبیله‌ای، در اداره حکومت علوی

یکی از راهبردهای مهم امیرالمومنین(ع) در اداره حکومت اسلامی، توجه به مناسبات و اقتضائات قومی-قبیله‌ای و خویشاوندی در جامعه اسلامی بود. آن حضرت تلاش می‌کردند تا با تفکیک قبایل و عشایر و شناسایی ویژگی‌های خاص هر بطن و عشیره و قبیله، سیاستگذاری‌های متناسب و اختصاصی متناسب با شرایط آنها داشته باشند(شریف الرضی، ۱۴۱۴ق: ۴۸۹ و ۴۹۰).

یا به عنوان مثال وقتی ابن عباس حاکم بصره بود نسبت به این قبیله بنی‌تمیم - که جمعیت مهمی از اهل بصره را تشکیل می‌دادند- خشونت و بدرفتاری می‌کند. با رسیدن گزارش نحوه رفتار ابن عباس با بنی‌تمیم، حضرت به او نامه‌ای می‌نویسند و افتخارات بنی‌تمیم در دوران جاهلیت و قرابت خویشاوندی بنی‌هاشم با آنها را به او یادآور می‌شوند (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق: ۳۷۶).



شکل ۴. جلوه‌های مداخله صلاحیت‌های خانوادگی در صلاحیت‌های سیاسی در حکومت علوی

۵. نتیجه‌گیری

در این پژوهش تلاش شد تا میزان تأثیر صلاحیت‌های خانوادگی و خویشاوندی در صلاحیت‌های سیاسی مورد ارزیابی و اثرسنجی قرار گیرد. ما نتیجه گرفتیم که با توجه به

کارکردهای مثبت مناسبات خویشاوندی و عصیبت ممدوح، نمی‌توان منکر مداخله این مناسبات در امر انتصاب کارگزاران شد. همچنین نباید با نوعی تقلیل‌گرایی، مناسبات سیاسی را در مناسبات خویشاوندی و عصیبت خلاصه کرد. با مطالعه گفتارهای امیرالمومنین(ع) و ارزیابی عملکرد دولت علوی، می‌توانیم قائل به لزوم مداخله جنبه‌هایی مثبت از مناسبات خویشاوندی در انتصاب کارگزاران شویم.

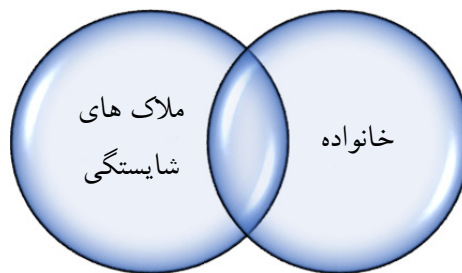
از مطالعه سیره سیاسی امیرالمومنین(ع) اولین نتیجه‌ای که حاصل شد این است که خانواده و تربیت خانوادگی سهم مهمی در تربیت سیاسی و امر حکمرانی به عنوان یک شرط در عرض سایر شروط کارگزاران دارد. به عبارت دیگر ملاک تربیت و صلاحیت خانوادگی به عنوان ملاک اولی و اصلی برای انتصابات سیاسی شناخته نمی‌شود.

استفاده از ظرفیت بیوتات صالحه و افراد تربیت‌شده در خاندان‌های اصیل، معتبر و خوش سابقه یکی از سیاست‌های حکومت علوی بود. در این راستا، آن حضرت از ظرفیت خاندان بنی‌هاشم همچون به کارگیری پسرعموها، خواهرزاده، داماد و فرزندخوانده در مهمترین مناصب سیاسی و نظامی استفاده کردند. همچنین آن حضرت از ظرفیت سایر بیوتات صالحه و خاندان‌های خوش‌نام استفاده کردند و در موارد متعدد از یک خانواده چند کارگزار حکومتی انتخاب کردند. البته لازم به ذکر است که استفاده از ظرفیت بیوتات صالحه به معنای الزام حاکم به منصوب کردن افراد متعلق به خاندان‌های صالح در پُست‌های سیاسی نیست! یعنی ممکن است فردی همچون زبیر- به خاندانی صالح منتسب باشد، اما به دلیل عدم احراز دیگر صلاحیت‌های سیاسی، شایسته هیچ پُست و مقامی نباشد.

همچنین امیرالمومنین(ع) از ظرفیت بیوتات عرب و نظام قبیله‌ای در تحکیم حکومتشان و اداره جنگ‌ها، حُسن استفاده را بردند و به تصریح خودشان در الباقی انتصابات نیز صلاحیت‌های خانوادگی و خاندانی را در تشخیص صلاحیت‌های سیاسی لحاظ می‌کردند، و در سیاستگذاری‌ها، مناسبات و اقتضائات قومی-قبیله‌ای را در مناطق مختلف، در نظر می‌گرفتند. از گفتار و کردار امیرالمومنین(ع) می‌توان نتیجه گرفت، نسبت درست میان خانواده و شایستگی‌های سیاسی، در نسب اربعه ارسطویی، رابطه عموم و خصوص من وجه است. حال آنکه طرفداران نظریه فردگرایی افراطی قائل به نسبت تباین میان این دو هستند یا به عبارتی قائلند خانواده و صلاحیت‌های خاندانی افراد هیچ ارتباطی با ملاک‌های شایستگی و صلاحیت افراد پیدا نمی‌کند. در جانب مقابل نیز طرفداران نظریه جمع‌گرایی افراطی قائل به نسبت تساوی

نقش صلاحیت‌های خانوادگی در انتخاب کارگزاران حکومت علوی (محمد رضا آرام) ۱۱۱

میان این دو هستند و به نوعی قائلند که صلاحیت‌های افراد در صلاحیت‌های خانوادگی و خاندانی ایشان خلاصه می‌شود.



شکل ۵. نسبت درست میان صلاحیت‌های خانوادگی و ملاک‌های شایستگی

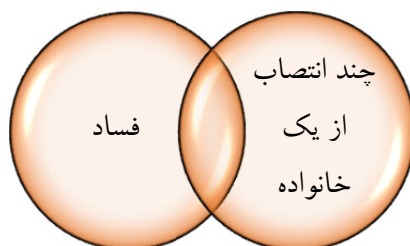
طبق تقریر درست که رابطه میان خانواده و صلاحیت‌های افراد را عموم و خصوص من وجه می‌داند، چهار قضیه ایجاد می‌شود:

- تمام ملاک‌های شایستگی خانوادگی نیست.
- خانواده یکی از ملاک‌های شایستگی است.
- بعضی ملاک‌های شایستگی خانوادگی نیستند.
- بعضی ملاک‌های شایستگی خانوادگی هستند.

در بُعد سلبی ماجرا و جانب مقابل، می‌توان نسبت میان فساد و تعدد انتصابات از یک خانواده را در نسب اربعه ارسطویی مورد مذاقه قرار داد. طرفداران نظریه فردگرایی افراطی از آنجا که ارتباطی میان صلاحیت‌های خانوادگی و صلاحیت افراد برقرار نمی‌کنند، رابطه عموم خصوص مطلق میان چند انتساب از یک خانواده و فساد برقرار می‌کنند به نحوی که هر نوع تعدد انتصاب از یک خانواده را مساوی فساد قلمداد می‌کنند.

در جانب مقابل، طرفداران نظریه جمع‌گرایی افراطی به دلیل آنکه شایستگی‌های سیاسی را محدود به شایستگی‌های خاندانی و خانوادگی می‌کنند، نسبتی که میان انتصابات متعدد از یک خانواده و فساد برقرار می‌کنند، نسبت تباین است به نحوی که قائلند هیچ فساد نمی‌تواند مربوط به تعدد و توالی انتصابات از یک خانواده باشد.

در نسبت درست، رابطه میان تعدد انتصابات از یک خانواده -خواه خانواده مسئولین مستقر باشد، خواه خانواده غیر مسئولین- با فساد سیاسی و اداری، رابطه «عموم و خصوص من وجه» است.



شکل ۶. نسبت درست میان فساد و تعدد انتصابات از یک خانواده

طبق تقریر درست که رابطه میان فساد و خویشاوندگاری یا چند انتصاب از یک خانواده را عموم و خصوص من وجه می‌داند، چهار قضیه ایجاد می‌شود:

- بعضی فسادها ناشی از خویشاوندگاری‌ها هستند.
- بعضی فسادها ناشی از خویشاوندگاری‌ها نیستند.
- بعضی خویشاوندگاری‌ها فساد هستند.
- بعضی خویشاوندگاری‌ها فساد نیستند.

بنابراین در مواردی که در کنار صلاحیت‌های خانوادگی و خاندانی، دیگر صلاحیت‌های فردی لحاظ شده باشد، چند انتصاب از یک خانواده یا خویشاوندگاری، فساد محسوب نمی‌شود.

در تمدن امروز، مدرنیته و فرهنگ ضد خانواده حاکم بر جوامع است. در این تمدن، ساختار خانواده از خانواده‌های گسترده به خانواده‌های هسته‌ای و از خانواده‌های هسته‌ای به اشکال جدید سبک زندگی در حال تغییر است. لذا لازم است به نهاد خانواده به عنوان یکی از مهمترین سرمایه‌های اجتماعی و سیاسی نگاه کرده و تدابیری برای حفظ ساختار خانواده گسترده در جمهوری اسلامی ایران اتخاذ کنیم تا از برکات آن در تربیت سیاسی محروم نماییم. اهتمام به ظرفیت خاندان‌های شریف و بیوتات صالحه در امور سیاسی و حسن استفاده از آن، خود یکی از تدابیر تقویت خانواده گسترده در ایران و جهان است.

کتاب‌نامه

قرآن کریم.

ابن ابی الحديد، عبد الحميد بن هبة الله (۱۴۰۴ق). شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد، قم: مكتبة آيت الله المرعشي النجفي.

ابن اثير، عز الدين (۱۹۸۹م). أسد الغابة في معرفة الصحابة، بيروت: دار الفكر.

ابن اعثم، احمد (۱۹۹۱م). كتاب الفتوح، تحقيق على شبري، بيروت: دارالأضواء.

ابن حجر العسقلاني، احمد بن علي (۱۹۹۵م). الإصابة في تمييز الصحابة، بيروت: دارالكتب العلمية.

ابن حزم (۱۹۸۳م). جمهرة أنساب العرب، بيروت، دار الكتب العلمية.

ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۴۲۵ق). مقدمة ابن خلدون، دمشق: دار يعرب.

ابن سعد، محمد (۱۹۹۰م). الطبقات الكبرى، طبع الأولى، بيروت: دار الكتب العلمية.

ابن سينا (۱۹۸۵م). كتاب السياسة، قاهره: دارالعرب.

ابن عبد البر، يوسف بن عبد الله (۱۹۹۲م). الاستيعاب في معرفة الأصحاب، بيروت: دار الجيل.

ابوالفرج اصفهاني، علي بن الحسين (۱۴۱۵ق). الأغاني، بيروت: دار إحياء التراث العربي.

بلاذري، احمد بن يحيى (۱۹۷۴م). انساب الأشراف، بيروت: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات.

پورسعيد، مسعود و عاشوري، جواد (۱۳۹۳). «تدوين مدلی برای گزينش کارکنان بر مبنای رویکردهای اقليمي الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی، ۶ (۳): ۱-۲۵.

پورطهماسبی، سیاوش و تاجور، آذر (۱۳۸۹). «ویژگی‌ها و وظایف کارگزاران در نهج البلاغه»، پژوهش‌نامه علوی، ۱ (۲): ۲۱-۴۲.

تقفي، ابراهيم بن محمد (۱۳۹۵ق). الغارات، تهران: انجمن آثار ملی.

حلی، ابن ادریس (۱۴۱۰ق). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

خنیفر، حسین و مسلمی، ناهید (۱۴۰۲). اصول و مبانی روش‌های پژوهش کیفی (جلد دوم)، چاپ سوم، تهران: نگاه دانش.

دینوری، ابن قتیبہ (۱۹۹۰م). الإمامة و السياسة المعروف بتاريخ الخلفاء، بيروت: دارالأضواء.

زرکلی، خیرالدین (۱۹۸۹م). الأعلام، چاپ هشتم، بيروت: دارالعلم للملایین.

سلیمانی، زهرا و منتظرالقائم، اصغر (۱۴۰۰). «بررسی ویژگی‌های کارگزاران تمدن‌ساز در قرآن (با تاکید بر کارگزاران حکومتگر)»، فصلنامه قرآن، فرهنگ و تمدن، ۲ (۲): ۴۸-۷۵. Doi: 10.22034/jksl.2021.307119.1040

شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق). نهج البلاغة، قم: هجرت.

۱۱۴ پژوهش‌نامه علوی، سال ۱۴، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

الشهرزوری، شمس‌الدین (۱۳۸۳). *رسائل الشجرة الالهية في علوم الحقائق الربانية*، تهران: موسسه حکمت و فلسفه ایران.

شهیدی فر، فریبا و فولادی، حفیظ‌الله (۱۴۰۱)، «عوامل خیانت مردم به حاکمان اسلامی از دیدگاه امام علی علیه السلام در نهج البلاغه». پژوهش‌نامه علوی، ۱۳ (۲۶)، ۱۴۹-۱۶۵. Doi: 10.30465/alavi.2022.8626

طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق). *الإحتجاج علی أهل اللجاج*، مشهد: نشر مرتضی.

طبری آملی صغیر، محمد بن جریر (۱۴۱۳ق). *دلائل الإمامة*، قم: بعثت.

طبری، محمد بن جریر (۱۹۶۷). *تاریخ الأمم والملوک*، ط الثانية، بیروت: دار التراث.

طوسی، محمد بن الحسن (۱۳۷۳). *رجال الطوسی*، قم: مؤسسة النشر الاسلامی.

عبد الرحمن بن محمد بن خلدون (۱۹۸۸م). *دیوان المبتدأ والخبر فی تاریخ العرب والبربر و من عاصرهم من ذوی الشأن الأكبر*، ط الثانية، بیروت: دارالفکر.

عده‌ای از علماء (۱۳۶۳)، *الأصول الستة عشر*. قم: دارالشبستری للمطبوعات.

فارابی، محمد بن محمد (۱۳۶۴)، *فصول منتزعة*. تهران: مکتبه الزهراء.

قطب راوندی، سعید بن هبه‌الله (۱۴۰۹ق)، *الخرائج و الجرائح*. قم: مؤسسه امام مهدی (عج).

قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق)، *تفسیر القمی*. قم: دارالکتاب.

کلوسکو، جورج (۱۳۸۹)، *تاریخ فلسفه سیاسی (دوران کلاسیک)*. ترجمه خشایار دیهیمی، تهران: نشر نی.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الکافی*. تهران: دارالکتب الإسلامية.

مازندرانی، ابن شهر آشوب (۱۳۷۹ق)، *مناقب آل أبی طالب (ع)*. قم: علامه.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار*. چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

مسعودی، أبو الحسن (۱۴۰۹ق)، *مروج الذهب و معادن الجواهر*. چاپ دوم، قم: دارالهجرة.

مسکویه، ابو علی (۱۳۷۹)، *تجارب الأمم*. ط الثانية، تهران: سروش.

مفید (الف)، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، *الإختصاص*. قم: المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید.

مفید (ب) محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، *الجمال و النصرة لسید العترة فی حرب البصرة*. قم: کنگره شیخ مفید (ره).

مفید (ج)، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، *الأمالی*. قم: کنگره شیخ مفید (ره).

ناظمیان فرد، علی (۱۳۹۶)، «واکنش امام علی به منطق قبیله‌ای سقیفه». پژوهش‌نامه علوی، ۸ (۱۵): ۹۷-۱۱۲.

نصر بن مزاحم، منقری (۱۴۰۴ق)، *وقعة صفین*، تحقیق عبد السلام محمد هارون، قم: منشورات مکتبه المرعشی النجفی.

یعقوبی، احمد بن أبی یعقوب (بی‌تا)، *تاریخ یعقوبی*، بیروت: دارصادر.

نقش صلاحیت‌های خانوادگی در انتخاب کارگزاران حکومت علوی (محمد رضا آرام) ۱۱۵

LIU, H. (2023). Meritocracy as Authoritarian Co-Optation: Political Selection and Upward Mobility in China. *American Political Science Review*: pp. 1–17. doi:10.1017/S000305542300120X

Munoz-Dardé, V., & Martin, M. G. F. (2023). Family and marriage: Institutions and the need for social goods. *Aristotelian Society Supplementary Volume*, 97(1): pp. 221–247. <https://doi.org/10.1093/arisup/akad010>

Moelker, R., Andres, M., Roness, N. (2019). The Politics of Military Families State, Work Organizations, and the Rise of the Negotiation Household, London and NEW YORK: Routledge.